

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی (مقایسه موردی مناطق روستایی شهرستان قروه)

غلامرضا غفاری *

حسین میرزایی **

علیرضا کریمی **

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۹

چکیده

در مقاله حاضر، رابطه صنعت ذوب آهن با کیفیت زندگی ساکنین دهستان یالغوزآغاج شهرستان قروه در استان کردستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. رویکرد مورد استفاده برای بررسی کیفیت زندگی، رویکرد کیفیت اجتماعی است. در رویکرد مذکور، کیفیت زندگی با چهار شاخص برخورداری اقتصادی-اجتماعی، همبستگی اجتماعی، احساس رفاه و بهزیستی و پایداری زیست‌محیطی بررسی می‌شود. در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های کمی (پیمایش) و کیفی (بحث گروهی و مصاحبه عمیق) به فراخور مراحل و اهداف تحقیق استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که وقتی کیفیت زندگی با سه شاخص (برخورداری اقتصادی-اجتماعی، همبستگی اجتماعی و احساس رفاه و بهزیستی) اندازه‌گیری می‌شود، با صنعت رابطه معناداری ندارد. اما وقتی کیفیت زندگی فقط با دو شاخص برخورداری اقتصادی-اجتماعی و احساس رفاه و بهزیستی سنجیده می‌شود، رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌گردد. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش بیانگر رابطه صنعتی شدن منطقه با برخورداری اقتصادی-اجتماعی با سطح معناداری ۹۹ درصد و با احساس رفاه و بهزیستی در سطح معناداری ۹۵ درصد هستند. همچنین وجود رابطه صنعت با همبستگی اجتماعی تأیید نشد. برای بررسی رابطه بین صنعت و پایداری زیست‌محیطی منطقه نیز از بحث گروهی و مصاحبه عمیق استفاده شده است. طبق نتایج پژوهش، صنعتی شدن منطقه موجب بروز آثار منفی و متفاوتی مانند آلودگی صوتی، هوا، آب و خاک کشاورزی شده است.

کلیدواژه‌ها: صنعت، کیفیت زندگی، برخورداری اقتصادی-اجتماعی، همبستگی اجتماعی، پایداری زیست محیطی.

* دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ghaffary@ut.ac.ir

** استادیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. hmirzaie@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. karimionline@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

با گذشت بیش از نیم قرن و اجرای بسیاری از الگوهای نظری و تجربی در کشورهای در حال توسعه، بی‌تردید صنعتی شدن به‌عنوان رویکرد غالب توسعه، در دهه‌های اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. تولید صنعتی و چگونگی نفوذ آن به نواحی روستایی، از اواخر دهه هفتاد مورد توجه قرار گرفت. اما اکثر پژوهش‌ها در زمینه صنعت روستایی، با دیدگاه اقتصادی انجام می‌شدند، آن هم رویکردی که در آن بدون توجه به نقش نهادها و آثار اجتماعی و فرهنگی آنها، متغیرهای مؤثر بر توسعه اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌گرفت. در حالی که هر طرح توسعه‌ای به معنای عام و هر طرح صنعتی به معنای خاص، در تعامل با مجموعه شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه قرار دارد و بر اساس اندازه و ماهیت پروژه، آثار اجتماعی نیز دارد. با وجود این، در اکثر پژوهش‌هایی که درباره آثار استقرار صنعت در مناطق روستایی انجام شده است، صنایع کوچک و تبدیلی مورد توجه بوده و به صنایع سنگین و غیرخودجوش در این مناطق، کمتر توجه شده است. علاوه‌براین، در بررسی آثار صنایع روستایی، بیشتر بر اشتغال و درآمدزایی ناشی از ایجاد این صنایع تأکید می‌شود. به عبارت دیگر، چنین پژوهش‌هایی صنعت را از دیدگاه اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند، در حالی که آثار اجتماعی صنایع سنگین و غیرخودجوش مانند کارخانه ذوب آهن به اندازه آثار اقتصادی آن برای مناطق روستایی حائز اهمیت است. گرچه ساخت و راه‌اندازی صنعت ذوب آهن در دهستان یالغوزآغاج، قدمت طولانی ندارد، اما در همین مدت کم، موجب بروز تغییراتی در کیفیت زندگی روستاییان شده است. بر همین اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا با صنعتی شدن، کیفیت زندگی روستاییان تفاوت می‌کند؟ و اگر تفاوت معناداری وجود دارد، چگونه می‌توان آن را تبیین کرد؟

مبانی نظری

متغیرهای پژوهش حاضر، از حیث موضوع در دو دسته صنعت و کیفیت زندگی قرار می‌گیرند. از این رو، در بخش نظری، این دو مفهوم و رابطه‌شان با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. کیفیت زندگی، مفهوم جدیدی نیست و می‌توان در فلسفه یونان و آثار ارسطو و نیز اندیشمندانی مانند کیرکیگارد^۱، سارتر، مازلو، فرانکل و آنتونوفسکی، مطالبی درباره آن مشاهده کرد (لیندا و دیانا،

1 kerkegard
2 Lynda & Diana

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

(۲۰۰۵). اولین بار "پیگو" در سال ۱۹۲۰ در کتاب "اقتصاد و رفاه"، به‌طور مستقیم مفهوم کیفیت زندگی را بیان کرد. اما از اواخر دهه ۱۹۷۰، علاقه به این مفهوم به‌طور معناداری افزایش یافت (مونز^۱ و همکاران، ۲۰۰۵؛ وود^۲، ۱۹۹۹). البته با گذشت چند دهه از رواج مفهوم کیفیت زندگی و انجام پژوهش‌های متنوع درباره این موضوع، تعریف واحدی وجود ندارد که مورد قبول همه باشد. یکی از تفاوت‌های دیدگاه محققان در این زمینه، به ذهنی یا عینی بودن این مفهوم مربوط است. بر همین اساس، می‌توان محققان کیفیت زندگی را به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول، کسانی هستند که فقط به بعد ذهنی کیفیت زندگی توجه می‌کنند، مانند پترا بونک^۳ (۲۰۰۷) و کمپبل^۴ (۱۹۷۶). آنها معتقدند که کیفیت زندگی یک جامعه، در واقع انعکاس ذهنی افراد جامعه در زمینه رضایت از زندگی است. دسته دوم، کسانی هستند که کیفیت زندگی را به لحاظ عینی بررسی می‌کنند، مانند مازلو و مک‌کال. تعداد این افراد در مقایسه با گروه اول بسیار کم است. دسته سوم، دید جامع‌تری درباره این مفهوم دارند و معتقدند که کیفیت زندگی را باید از دو بعد عینی و ذهنی بررسی کرد، مانند فرانس^۵ (۱۹۹۲) و فیلیپس^۶ (۲۰۰۶). فیلیپس با استفاده از مؤلفه‌های عینی و ذهنی، به بررسی مفهوم کیفیت زندگی در ابعاد فردی و جمعی پرداخته است. به اعتقاد فیلیپس، کیفیت زندگی فردی در بُعد عینی، رفع نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی به‌منظور برآوردن خواسته‌های اجتماعی شهروندان و در بعد ذهنی، داشتن استقلال عمل در موارد زیر را شامل می‌شود: (۱) افزایش رفاه ذهنی که لذت‌جویی، رضایت‌مندی، هدفمندی در زندگی و رشد شخصی را شامل می‌شود؛ (۲) رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی؛ (۳) مشارکت در سطح گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی. کیفیت زندگی در بعد جمعی، ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه‌ها و جوامع یعنی انسجام مدنی، همکوشی و یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقتی در همه سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نوع دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی را شامل می‌شود (فیلیپس، ۲۰۰۶: ۲۴۲). با توجه به مطالب مذکور، ظاهراً

1 Moons
2 Wood
3 Bohnke
4 Campbell
5 Ferrans
6 Phillips

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

برای اندازه‌گیری دقیق‌تر کیفیت زندگی بهتر است از شاخص‌های ترکیبی استفاده شود که قدرت تبیین بیشتری دارند.

اختلاف نظری که درباره تعاریف کیفیت زندگی از لحاظ ذهنی و عینی وجود دارد، در بخش شاخص‌ها نیز نمایان است (فرانس، ۱۹۹۶؛ فلائگان^۱، ۱۹۷۸).

محققان حوزه کیفیت زندگی معتقدند که شاخص‌های ذهنی، قدرت تبیین بیشتری دارند، در حالی که شاخص‌هایی که به‌طور عینی شرایط زندگی را می‌سنجند، فقط می‌توانند حدود ۱۵ درصد از کیفیت زندگی فرد را تبیین کنند (مونز و همکاران، ۲۰۰۵). با توجه به ضعف‌ها و قوت‌های هر یک از شاخص‌های ذهنی و عینی، ظاهراً برای اندازه‌گیری دقیق‌تر کیفیت زندگی، بهتر است از شاخص‌های ترکیبی استفاده شود که قدرت تبیین بیشتری دارند. تلفیق شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی را می‌توان در رویکرد کیفیت اجتماعی مشاهده کرد. سه بعد مهم کیفیت زندگی در رویکرد مذکور، امنیت اقتصادی - اجتماعی، شمول اجتماعی و همبستگی اجتماعی هستند. هر یک از این موارد را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد.

۱) امنیت اقتصادی - اجتماعی که منابع مالی، مسکن و محیط زیست، بهداشت و مراقبت‌های درمانی، کار و آموزش، از مؤلفه‌های آن هستند (فیلیپس، ۲۰۰۶: ۱۷۵-۱۷۷). در رویکرد کیفیت اجتماعی، توجه ویژه‌ای به محیط زیست به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار می‌شود. با توجه به اینکه موضوع توسعه پایدار، ارتقای رفاه انسانی در طول زمان است، می‌توان گفت که رضایت افراد از زندگی، به‌طور ویژه‌ای با محیط زیست عجین شده است.

۲) ادغام یا شمول اجتماعی، دسترسی افراد به نهادها و روابط اجتماعی را شامل می‌شود. منظور از آن، مشارکت و فرایند ادغام در هویت‌های جمعی و واقعیت‌هایی است که خود نیازمند تحقق مجزاست. در واقع، موضوع اصلی آن، عنصر شهروندی است که بیانگر امکان مشارکت افراد در نظام‌ها و نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

۳) همبستگی اجتماعی، ویژگی‌های روابط اجتماعی مبتنی بر هویت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را شامل می‌شود. فیلیپس و برمن همبستگی اجتماعی را وابسته به دو مفهوم سرمایه اجتماعی و یکپارچگی اجتماعی می‌دانند (فیلیپس، ۲۰۰۶: ۴۸).

1 Flanagan

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

نول نیز در تأیید رویکرد مذکور در بررسی کیفیت زندگی معتقد است که مفهوم کیفیت اجتماعی، فقط بیانگر مفاهیم رفاهی است که قبلاً وجود داشته‌اند و این رویکرد، مطلب جدیدی به آن نمی‌افزاید، اما در این رویکرد تلاش می‌شود ایده‌های همبستگی اجتماعی، ادغام اجتماعی و توسعه انسانی، با سیاست‌های عمومی با یکدیگر ادغام شوند (غفاری و امید، ۱۳۸۸: ۶۲). کیفیت زندگی تحت تأثیر سیاست‌های مختلف توسعه، به لحاظ ذهنی و عینی دچار تغییرات بسیاری شده است. همزمان با تغییراتی که در سطح جهان در الگوهای توسعه، به‌ویژه توسعه روستایی ایجاد شده، در روستاهای ایران نیز با اجرای الگوهای مختلف توسعه، تحولات مهمی در بخش کیفیت زندگی پدید آمده است. دیدگاه توسعه در دوران قبل از انقلاب، بر محور "رشد" و اقتصادی دیدن توسعه مبتنی بود. در برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر این دیدگاه، جامعه روستایی باید ویژگی‌های سنتی خود را کنار گذارد و مدرن شود. بعد از انقلاب، دیدگاه "دگرگون‌ساز" و سیاسی دیدن توسعه قوت گرفت. در این دیدگاه، انتظار خودکفایی و تلاش برای جبران محرومیت چندین ساله جامعه روستایی از طریق عرضه خدمات بیشتر و بدون برنامه وجود داشت. عدم توفیق دیدگاه دگرگون‌ساز، مجدداً زمینه را برای مطرح شدن دیدگاه "رشد" فراهم کرد. در دیدگاه رشد، صنعتی کردن نواحی روستایی، یکی از راهبردهای توسعه مناطق روستایی است که با هدف بهبود کیفیت زندگی روستاییان اجرا می‌شود. "هاک" صنعتی شدن را به معنای دگرگونی تکنولوژیک به‌منظور دستیابی به کیفیت زندگی بهتر برای نسل‌های فعلی و آینده در نظر گرفته است (مرادی و مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۴). در فرایند صنعتی شدن، پرسش‌هایی درباره چگونگی زندگی و کار مردم و کیفیت زندگی آنها در جهان سوم مطرح می‌شود (هیویت، ۱۳۷۷: ۳). به اعتقاد میسرا، صنعت همه فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که موجب تغییر فیزیکی و شیمیایی مواد و اجسام مختلف و تبدیل آنها به محصولات جدید می‌شود، خواه این تغییرات به وسیله دست یا ماشین، در کارخانه یا در منازل انجام شود (میسرا، ۱۳۶۸: ۱۵).

آثار صنعت در مناطق روستایی را می‌توان به دو دسته کلی یعنی آثار اقتصادی - اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم کرد. برای ارزیابی این آثار، باید شاخص‌های مورد استفاده در هر زمینه را بررسی کرد.

۱- آثار اقتصادی - اجتماعی صنعت

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

مهمترین آثار اقتصادی - اجتماعی گسترش صنعت در روستاها، رشد اشتغال و به تبع آن، افزایش درآمدهای روستاییان، کاهش مهاجرت از روستا به شهر، افزایش امکانات و تسهیلات رفاهی روستاییان و غیره هستند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- ایجاد اشتغال و افزایش درآمد: صاحب‌نظران بیشتر بر گسترش صنایع روستایی، رفع معضل بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی در نواحی روستایی تأکید می‌کنند. به اعتقاد آنها، سایر آثار صنعت، تا حد زیادی به ایجاد اشتغال وابسته است. ایجاد اشتغال باعث بهبود وضعیت درآمد در بین روستاییان و کاهش مهاجرت‌های روزافزون به شهرها می‌شود (ازکیا، ۱۳۸۷: ۳۶۰؛ دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۴۳؛ طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۸۶؛ سمینار استقرار صنعت در روستا، ۱۳۶۵؛ دیویس و بزم^۱ به نقل از کرمانی، ۱۳۸۵: ۲۴؛ صادقی، ۱۳۸۰؛ رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۱؛ لی، ۲۰۰۱؛ هیویت، ۱۳۷۷).

۲-۱- مهاجرت: کارکرد بیشتر کارخانه‌های تک‌افتاده در روستاها، نظیر پمپ مکنده است. چنین کارخانه‌هایی باعث جذب جمعیت روستایی و کشاورزی در خود و مانع مهاجرت آنها می‌شوند (وثوقی، ۱۳۸۲: ۴۳-۴۰). پژوهش‌های پیشین درباره صنعت، این فرضیه را تأیید می‌کند که ورود صنعت به مناطق روستایی، باعث کاهش مهاجرت‌ها به شهر می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۸۶؛ دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۴۳؛ صادقی، ۱۳۸۰؛ سمینار استقرار صنعت در روستا، ۱۳۶۵).

۳-۱- دسترسی بیشتر به امکانات رفاهی و زیربنایی: هاک در این زمینه معتقد است که یکی از مهمترین آثار استقرار صنعت در مناطق روستایی، بهبود ساخت و تسهیلات زیربنایی در مناطق همجوار این صنایع است. در واقع، بدون خدمات ضروری مانند برق، آب، حمل و نقل و خدمات بانکی، بنگاه‌های صنعتی به ندرت توانایی انجام وظیفه را خواهند داشت (ازکیا، ۱۳۸۷: ۳۷۱؛ رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۱). سایر آثار اقتصادی-اجتماعی استقرار صنعت در مناطق روستایی عبارت‌اند از: تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام که موجب بهبود الگوی مصرف می‌شود، افزایش بهره‌وری از خدمات بهداشتی، درمانی و بیمه‌ای، برخورداری از آموزش، افزایش رضایت و امنیت شغلی، ارتقای اعتماد اجتماعی و افزایش ارتباطات اجتماعی (ازکیا، ۱۳۸۷: ۳۷۱؛ طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۸۶).

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

۲- آثار زیست‌محیطی صنعت

پایداری زیست‌محیطی به این معنا نیست که توسعه نباید هیچ اثری بر محیط زیست داشته باشد. در پایداری زیست‌محیطی، دستیابی به رفاه انسان از طریق حفظ منابع و مواد خام مصرفی برای نیازهای انسان و کسب اطمینان از این موضوع مورد توجه است که ضایعات بشر، از ظرفیت خودپالایی طبیعت بیشتر نمی‌شود. پذیرش ضایعات نیز به معنای نگهداری ضایعات در محدوده‌ای است که موجب تخریب و آلودگی غیرقابل پالایش توسط طبیعت نشود (ازکیا، ۱۳۸۷: ۳۶۶-۳۶۵). از دیدگاه اقتصاد روستایی، صنعتی شدن روستا می‌تواند موجب افزایش درآمد زارعان کم‌درآمد، توسعه فرصت‌های اشتغال و نیز افزایش امنیت شغلی شود. نتیجه چنین فرایندی، کاهش مهاجرت از روستا به شهر است. به لحاظ اجتماعی نیز توسعه صنعت در روستا می‌تواند موجب افزایش رفاه روستاییان و سطح زندگی آنان، افزایش اعتماد و روابط اجتماعی شود. البته در کنار مزایای مذکور، صنعت می‌تواند پایداری زیست‌محیطی منطقه را مورد تهدید قرار دهد.

مدل نظری و فرضیه‌های پژوهش

در رویکرد کیفیت اجتماعی، نسبت به سایر رویکردها کیفیت زندگی با دید جامع‌تر و اجتماعی‌تری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در رویکرد مذکور، تلاش می‌شود کیفیت زندگی از دو بعد عینی و ذهنی مورد بررسی قرار گیرد و بیشتر از سایر رویکردها از متغیر صنعتی شدن تأثیر می‌پذیرد. در رویکرد اجتماعی، رابطه صنعت و کیفیت زندگی را می‌توان به صورت مدل زیر ترسیم کرد (شکل شماره ۱). با توجه به این مدل، در فرضیه اصلی پژوهش، بررسی تفاوت بین روستاهای واقع در منطقه صنعتی شده و روستاهای خارج از این منطقه، از حیث کیفیت زندگی مورد توجه است. بر همین اساس، چهار فرضیه به تناسب شاخص‌های کیفیت زندگی مطرح شده است.

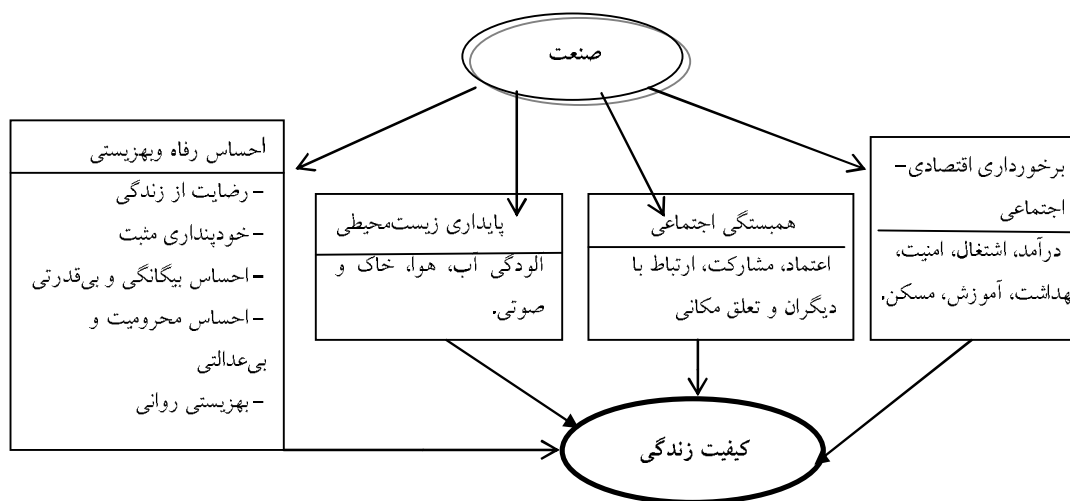
با صنعتی شدن، برخورداری اجتماعی - اقتصادی ساکنین منطقه تفاوت می‌یابد.

با صنعتی شدن، همبستگی اجتماعی ساکنین منطقه تفاوت می‌یابد.

با صنعتی شدن، پایداری زیست محیطی ساکنین منطقه تفاوت می‌یابد.

با صنعتی شدن، احساس رفاه و بهزیستی ساکنین منطقه تفاوت می‌یابد.

شکل (۱): مدل نظری پژوهش



روش پژوهش

در پژوهش حاضر، ترکیبی از روش‌های کمی (پیمایش) و کیفی (بحث گروهی و مصاحبه عمیق) به فراخور مراحل و اهداف پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. امکان سنجش دقیق پایداری زیست-محیطی از طریق پرسشنامه امکان‌پذیر نبود، زیرا تبدیل همه شاخص‌های پایداری زیست-محیطی به پرسش‌های بسته پرسشنامه، به کسب شناخت دقیقی از مسئله مورد نظر نمی‌انجامید. بر همین اساس، تلاش شد به منظور ارزیابی دقیق پایداری زیست-محیطی، ابعاد مختلف این متغیر با سه روش مورد بررسی قرار گیرد: ۱- آمار و اطلاعات موجود در ادارات و مراکز مرتبط با موضوع، مانند اداره صنایع و معادن، محیط زیست، منابع طبیعی و بخش آزمایشگاه کارخانه ذوب آهن؛ ۲- پرسش-های موجود در پرسشنامه به منظور بررسی رضایت ذهنی روستاییان از شرایط زیست-محیطی منطقه؛ ۳- بحث گروهی و مصاحبه عمیق. به دلیل نبود آمار و اطلاعات مورد نیاز در مراکز و ادارات مذکور، از پرسشنامه و به ویژه مصاحبه عمیق و بحث گروهی استفاده شد. با توجه به فرضیه‌های پژوهش، چهارچوب نظری و با کسب راهنمایی از اساتید متخصص درباره کیفیت زندگی، پرسشنامه اولیه تهیه

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

شد و پس از اجرای ۳۰ پیش‌آزمون و انجام اصلاحات بر اساس نتایج حاصله، پرسشنامه نهایی تدوین گردید.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر، دو دهستان از توابع شهرستان قروه در استان کردستان است. در این پژوهش، شاخص‌های کیفیت زندگی در دو دهستان یالغوزآغاج به‌عنوان منطقه صنعتی شده و قُصَلان به‌عنوان منطقه صنعتی نشده مورد بررسی قرار می‌گیرد. دهستان یالغوزآغاج، جزء بخش تلوار شهرستان قروه است که در شمال غربی این شهرستان قرار دارد و محل استقرار صنعت ذوب آهن استان کردستان است^۱. این دهستان ۱۶ آبادی دارد و روستای یالغوزآغاج، مرکز آن است. طبق سرشماری ۱۳۸۵، دهستان یالغوزآغاج، ۴۳۱۸ نفر جمعیت و ۱۰۳۲ خانوار دارد. در این دهستان، خانوارهای روستاهای کچی‌گرد، کریم‌آباد و فخرآباد که از لحاظ فاصله، نزدیک‌ترین روستاها به ذوب آهن هستند، همراه با خانوارهای مرکز دهستان، یعنی روستای یالغوزآغاج به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. انتخاب دهستان قُصَلان به‌عنوان گروه کنترل، از میان ۱۲ دهستان دیگر شهرستان قروه، به دلیل موقعیت جغرافیایی، تعداد روستاها، جمعیت، زبان، مذهب و خصوصیات مشابه دیگر با دهستان یالغوزآغاج است. شغل بیشتر ساکنین دو دهستان، کشاورزی است. مرکز دهستان‌های مذکور مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه دارد که دانش‌آموزان روستاهای همجوار پس از اتمام مقطع ابتدایی، برای ادامه تحصیل به مراکز این دهستان‌ها می‌روند. خدمات اداری دو منطقه مورد بررسی نیز مشابه است و مرکز بهداشت، دفتر مخابرات، پست و تعاونی روستایی را شامل می‌شود. با استفاده از فرمول کوکران و با توجه به تعداد خانوارهای چهار روستای کچی‌گرد، کریم‌آباد، فخرآباد و یالغوزآغاج، نمونه آماری پژوهش در دهستان صنعتی شده، ۱۳۶ خانوار است. در دهستان قُصَلان به‌عنوان منطقه صنعتی نشده، با استفاده از همین فرمول، از دو روستای قُصَلان و زیویه ۱۲۰ خانوار انتخاب شدند. پرسش‌های پرسشنامه و پرسش‌ها در بحث گروهی و مصاحبه عمیق، با توجه به موضوع پژوهش به گونه‌ای مطرح شده بودند که مقایسه شرایط موجود روستای صنعتی شده با ۱۰

۱ به منظور توسعه صنعتی استان به معنای عام و توسعه صنعتی روستا به معنای خاص، ساخت کارخانه ذوب آهن در سال ۱۳۷۴ در دهستان یالغوزآغاج شروع شد و در سال ۱۳۸۲ به بهره‌برداری رسید فعالیت اصلی کارخانه، تولید شمش چدنی و تولید فرعی سرباره است

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

سال قبل (قبل از صنعتی شدن) لازم بود، به همین دلیل در میان خانوارهای انتخاب شده به عنوان نمونه آماری، فقط با افراد ۲۵ تا ۶۵ ساله مصاحبه شده است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به فرضیه‌های پژوهش، یافته‌ها در چهار بخش بیان می‌شوند و در هر بخش، یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق مذکور، مورد بررسی قرار می‌گیرد و بر اساس نتایج حاصل از آن، فرضیه‌های پژوهش تحلیل می‌شود.

۱- شاخص بر خورداری اقتصادی-اجتماعی

این شاخص با مؤلفه‌های درآمد، امنیت، آموزش، اشتغال، بهداشت و مسکن اندازه‌گیری شده است. امنیت در دو بعد امنیت مالی و جانی مورد توجه است که امنیت احشام و منزل مسکونی به لحاظ سرقت، امنیت داخل روستا برای تردد کودکان و زنان، امنیت جانی روستاییان در برابر افراد غریبه و موارد مشابه دیگری را شامل می‌شود که نتایج آن در جدول شماره (۱) بیان شده است.

جدول (۱): توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های طیف امنیت

گویه	زیاد		متوسط		کم	
	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج	قصلان
امنیت	۱/۳۰	۸/۳۲	۶/۵۵	۵/۶۰	۲/۱۴	۷/۶

منبع: یافته‌های تحقیق

وضعیت خانوارها به لحاظ تأمین اجتماعی که تعداد افراد بیمه شده، نوع بیمه، تعداد بیمار در خانوار و نوع بیماری را شامل می‌شود، در جدول شماره (۲) بیان شده است.

جدول (۲): توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های تأمین اجتماعی

درصد خانوارهای بیمه‌شده	نوع بیمه		درصد خانوارهای دارای فرد بیمه در خانه	بزرگترین تعداد افراد بیمار در خانوار	بیمگان	فقرنی	مطول	دیسک کمر	کبد و معده	فشار خون و قلبخون	کلیه	نوع بیماری				
	خدمات درمانی	تأمین اجتماعی										اسم	سرطان	عصبی	سایر	
۷۷/۲	۸۶/۸	۱۳/۲	۲۷/۹	۰/۴	۵/۹	۲۰/۶	۱۱/۸	۲۰/۶	۱۱/۸	۱۱/۸	۲/۹	۱۱/۸	-	-	-	۲/۹
۸۲/۶	۷۵	۲۵	۲۰/۷	۰/۲	۴	۱۶	۴	۴۰	-	۱۲	-	۴	۸	۴	۸	۸

منبع: یافته‌های تحقیق

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

وضعیت منزل مسکونی پاسخگویان در جدول شماره ۳ بیان شده است که به‌ویژه از لحاظ امکانات داخل خانه نسبت به سایر مؤلفه‌های برخورداری اقتصادی-اجتماعی، بیشتر تحت تأثیر صنعت بوده است. یکی از پاسخگویان از روستای پالغوزآغاج در این زمینه می‌گفت «ذوب آهن باعث شد گاز لوله‌کشی و تلفن در آبادی ما زودتر از موعد مقرر وصل و برقرار شود».

جدول (۳): توزیع نسبی وضعیت منزل مسکونی پاسخگویان

گویه	پالغوزآغاج	فصلان
میانگین تعداد اتاق	۳	۸/۲
نوع آشپزخانه	داخل خانه/ آشپزخانه جدا	۳/۲۱
	داخل خانه/ به‌عنوان بخشی از اتاق دیگر	۲۴
	داخل حیاط	۵/۱
نوع حمام	بدون آشپزخانه	۹/۲
	داخل خانه	۶/۷۰
	بیرون از فضای خانه	۸/۲۲
نوع توالت	بدون حمام	۶/۶
	حفره	۴/۳۰
	مستراح بهداشتی	۲/۶۵
محل تخلیه مواد دفعی توالت	مستراح مشترک با همسایگان	۴/۴
	سیستم فاضلاب	-
	چاه	۶/۹۲
محل تخلیه مواد دفعی حمام/ آشپزخانه	تخلیه به جوی‌های داخل روستا	۲/۲
	رهاسازی داخل روستا	۱/۵
	سیستم فاضلاب	-
جنس کف خانه	چاه	۴/۴۳
	تخلیه به جوی‌های داخل روستا	۸/۳۳
	رهاسازی داخل روستا	۸/۲۲
جنس دیوار خانه	گچ و خاک	۹/۴۸
	سیمان	۷/۴۰
	موزاییک/ کاشی/ سرامیک	۴/۷
نوع سوخت مورد استفاده برای پخت و پز	غیره	۳
	خشت	۲/۴۲
	اجر	۹/۵۱
منبع آب آشامیدنی	سنگ	۵/۱
	بتن و بلوک	۷/۳
	غیره	۷/۰
نوع سقف خانه	چوب	۱/۵۴
	اجر و تیراهن	۵/۴۱
	تیرچه بلوک	۴/۴
امکانات دیگر منزل مسکونی	کپسول گاز	۸/۸
	گاز لوله‌کشی	۵/۸۷
	نفت سفید/ گازوئیل	۷/۳
منبع آب آشامیدنی	لوله‌کشی	۶/۹۵
	چاه	۴/۴
	تلفن	۸۶
برق	۱۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

در بخش آموزش و بهداشت، میزان دسترسی روستاییان به امکانات آموزشی و بهداشتی مورد سنجش قرار گرفته است که نتایج آن را می‌توان در جدول شماره ۴ ملاحظه کرد.

جدول (۴): توزیع نسبی پاسخگویان برحسب امکانات و خدمات آموزشی و بهداشتی

امکانات و خدمات	بهبتر شده		بدتر شده		تغییری نکرده	
	فصلان	یالغوزآغاج	فصلان	یالغوزآغاج	فصلان	یالغوزآغاج
بهداشت و درمان	۲/۶۶	۳/۸۸	۴/۸۷	۲/۴	۵/۲۶	۵/۱۷
	۱- کیفیت آموزش در مدارس					
	۳/۱۶	۸/۳۰	۳/۱۹	۷/۱۱	۴/۶۴	۵/۶۷
	۲- تعداد کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی در زمینه کشاورزی، دام و بهداشت					
	۸/۳۳	۳/۴۱	۷/۱۴	۴/۱۲	۵/۵۱	۳/۴۶
	۳- دسترسی به کتاب و کتابخانه					
	۷/۶	۲/۸	۸/۱۴	۲/۱۴	۵/۷۸	۵/۸۷
	۴- وجود روزنامه و مجلات مورد علاقه					
	۹/۷۰	۵/۳۷	۲/۲	۱۰	۹/۲۶	۵/۵۲
	۵- دسترسی به اینترنت					
۶/۵۲	۵/۶۴	۷/۶	۳/۳	۷/۴۰	۲/۳۲	
۶- دسترسی به پزشک و خدمات درمانی						
۴/۱۳	۵/۱۷	۹/۱۱	۵/۷	۶/۷۴	۷۵	
۷- خدمات اورژانسی در طول شبانه‌روز						
۲/۱۷	۲/۳۹	۴/۴	۸/۵	۴/۶۸	۵۵	
۸- اجرای طرح‌های بهداشتی همانند خارج کردن دام از روستا						
۵/۷۳	۲/۵۱	۱/۸	۵/۸	۴/۱۸	۲/۴۰	
۹- سرویس ایاب و ذهاب به شهر در ساعات مختلف برای دسترسی به خدمات بهداشتی موجود در شهر						
۸/۵۸	۳/۸۹	۱/۸	۱/۴	۱/۳۳	۶/۶	
۱۰- وضعیت جمع‌آوری زباله						
۱/۱۴	۳/۶۰	۴/۲۴	۵/۲۱	۵/۶۱	۲/۱۸	
۱۱- وضعیت فاضلاب روستا						
۶/۵۶	۲/۷۰	۸/۱۱	۳/۸	۶/۳۱	۵/۲۱	
۱۲- وضعیت نظهری روستا از لحاظ بهداشت و نظافت						

منبع: یافته‌های تحقیق

به اعتقاد روستاییان، کارخانه ذوب آهن دسترسی به بسیاری از امکانات و خدمات، از جمله گاز لوله‌کشی، تلفن و جاده آسفالت را تسریع کرده است. این عوامل موجب تسهیل ایاب و ذهاب به شهر و دسترسی به اینترنت شده است. کارخانه به دو دلیل موجب تسریع رفت و آمد روستاییان به شهر شده است: یکی به دلیل آسفالت شدن جاده و دیگری به دلیل سرویس‌های کارخانه که در مسیر خود از شهر به کارخانه و بالعکس، مسافره‌های کنار جاده را نیز حمل می‌کنند. سایر مؤلفه‌های شاخص برخورداری اقتصادی - اجتماعی همراه با متغیرهای توصیفی پژوهش، در جدول شماره ۵ بیان شده است.

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

جدول (۵): توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب گویه‌های توصیفی

جنسیت	میانگین تعداد افراد شاغل در خانوار		میانگین هزینه ماهیانه خانوار (به هزار تومان)	میانگین درآمد ماهیانه خانوار (به هزار تومان)	میانگین تعداد افراد خانوار	میانگین سنی							
	زن	مرد											
۷/۸۷	۲۱/۳	۱/۱	۲۶۸	۲۶۷/۴	۴/۹	۳۶/۱	یالغوزآغاج						
۷۶/۹	۲۳/۱	۱/۲	۲۸۵	۳۰۳	۴/۹	۳۸/۵	قصلان						
وضعیت شغلی				تحصیلات									
از کار افتاده	جویای کار	محصل	خانمدار	شاغل	لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم	دیپلم		راهنمایی	ابتدایی	بی‌سواد		
۲/۹	۳۵/۳	۲/۲	۱۳/۲	۴۶/۳	۵/۹	۸/۱	۳۵/۶	۱۶/۳	۱۷/۸	۱۶/۳	یالغوزآغاج		
-	۲۲/۳	۴/۱	۱۹	۵۴/۵	۵	۲/۵	۲۸/۱	۱۹/۸	۲۴/۸	۱۹/۸	قصلان		
شغل دوم				شغل اول									
سایر	کارگر	دانشجویی	کشاورزی	کار فنی	کارمند	راننده/کاسب	کار در معادن	کار در نوب آهن	کارگر	دانشجویی	کشاورزی	تعداد	
۲	۲	۱	۳	۶	۷	۹	-	۴	۱۰	۴	۲۳	۲۳	
۲۵	۲۵	۱۲/۵	۳۷/۵	۹/۲	۱۰/۸	۱۳/۸	-	۶/۲	۱۸/۵	۶/۲	۳۵/۴	۳۵/۴	یالغوزآغاج
۱	۱	۲	۶	۳	۴	۶	۱۰	-	۱۶	۳	۲۶	۲۶	قصلان
۱۰	۱۰	۲۰	۶۰	۴/۴	۵/۹	۸/۸	۱۴/۸	-	۲۳/۵	۴/۴	۳۸/۲	۳۸/۲	قصلان

منبع: یافته‌های تحقیق

از بین ۱۳۶ نفر نمونه آماری دهستان صنعتی شده، ۳/۴۶ درصد از آنها (۶۳ نفر) شاغل بودند. ولی در دهستان صنعتی نشده، ۵/۵۴ درصد شاغل بودند که نوع شغل آنها بیان شده است. در بین شاغلان دهستان صنعتی شده، فقط ۸ نفر (۸/۱۲ درصد) شغل دوم دارند و در دهستان دیگر نیز، ۱۰ نفر (۷/۱۴ درصد) از پاسخگویان، شغل دوم دارند.

۲- بررسی شاخص همبستگی اجتماعی

همان‌طور که در مدل پژوهش (شکل شماره ۱) نشان داده شده است، برای بررسی شاخص همبستگی اجتماعی از مؤلفه‌های اعتماد (اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی)، مشارکت (مشارکت

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

ذهنی و مشارکت عینی)، ارتباط با دیگران و تعلق مکانی استفاده شده است. در جدول شماره (۶)، توزیع نسبی پاسخها به مؤلفه‌های این شاخص در دو دهستان مذکور نشان داده شده است.

جدول (۶): توزیع نسبی پاسخ به مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی

گویه	زیاد		متوسط		کم	
	بالغوزآغاج	قصلان	بالغوزآغاج	قصلان	بالغوزآغاج	قصلان
اعتماد بین شخصی	۷/۱۶	۸/۶	۴/۶۱	۵/۶۹	۹/۲۱	۷/۲۳
اعتماد نهادی	۶/۱۵	۲/۲۱	۱/۵۴	۸/۵۵	۳/۳۰	۲۳
مشارکت ذهنی	۴/۲۴	۹/۲۲	۳/۵۹	۳/۵۹	۳/۱۶	۸/۱۷
مشارکت عینی	۳/۳۲	۹/۳۳	۴/۴۷	۵/۵۲	۳/۲۰	۵/۱۳
ارتباط بین روستاییان	۹/۶۷	۵/۶۲	۳/۳۱	۷/۳۶	۷/۰	۸/۰
تعلق مکانی	۶/۱۷	۳/۱۵	۵/۶۲	۷۲	۹/۱۹	۷/۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق

مؤلفه اعتماد نهادی از طریق میزان اعتماد روستاییان به یازده نهادی اندازه‌گیری شد که بیشترین ارتباط را با آن دارند. نهادهای مذکور در جدول شماره ۷ بیان شده است. از آنجایی که روستاییان ساکن در منطقه صنعتی نشده، با کارکنان ذوب آهن تعامل ندارند، درباره این گویه در منطقه صنعتی نشده سؤال نشد.

جدول (۷): توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های طیف اعتماد نهادی

گویهها	زیاد		متوسط		کم	
	بالغوزآغاج	قصلان	بالغوزآغاج	قصلان	بالغوزآغاج	قصلان
۱- شورای روستا	۱۴	۸/۱۹	۵/۳۷	۷/۳۹	۵/۴۸	۵/۴۰
۲- کارکنان جهاد کشاورزی	۵/۱۶	۷/۲۰	۶/۴۹	۷/۳۹	۹/۳۳	۶/۳۹
۳- کارکنان بنیاد مسکن	۴/۲۴	۲/۲۲	۵/۴۶	۳/۴۶	۱/۲۹	۵/۳۱
۴- کارکنان بانکها	۹/۲۶	۳/۳۱	۳/۳۲	۹/۴۰	۸/۴۰	۹/۲۷
۵- نیروی انتظامی	۱/۲۹	۸/۳۷	۶/۳۰	۵/۳۹	۳/۴۰	۷/۲۲
۶- معلمان روستا	۹/۵۲	۲/۵۶	۴/۲۹	۲/۳۲	۷/۱۷	۵/۱۱
۷- کارکنان مرکز بهداشت	۱/۲۳	۲/۲۴	۴/۴۵	۵۰	۵/۳۱	۸/۲۵
۸- شورای حل اختلاف روستا	۲۹	۸/۲۴	۴/۳۷	۶/۲۵	۶/۳۳	۶/۴۹
۹- کارکنان ذوب آهن	۸/۱۲	-	۳/۳۲	-	۹/۵۴	-
۱۰- نماینده مجلس	۸/۲۵	۹/۲۶	۸/۲۸	۱/۲۶	۵/۴۵	۱/۴۷
۱۱- ریش سفیدها	۱/۵۸	۹/۵۲	۹/۲۷	۱/۳۳	۹/۱۳	۱/۱۴

منبع: یافته‌های تحقیق

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

در منطقه صنعتی شده، میزان اعتماد بیش از نیمی از روستاییان (۹/۵۴ درصد) به کارکنان و مدیران ذوب آهن کم است. در این زمینه، یکی از پاسخگویان از روستای کریم‌آباد بیان می‌کند: «در زمان ساخت کارخانه ذوب آهن به ما وعده دادند که به جز کودکان و زنان روستا، بقیه اهالی این روستا در ذوب آهن استخدام می‌شوند، ولی به هیچ وجه به وعده خود عمل نکردند». محمود که دانشجوی رشته جغرافیا است، ضمن تأیید حرف‌های خانم کریمی معتقد است که «کارخانه ذوب آهن در محدوده زمین کشاورزان روستای کریم‌آباد و کچی‌گرد قرار دارد. در ابتدا بر روی زمین‌های مردم روستا هکتاری ۱۰۰ هزار تومان قیمت گذاشتند. با توجه به مرغوب بودن زمین‌ها و به دلیل اینکه شغل اصلی مردم این روستا کشاورزی است، به همین خاطر مردم با فروش زمین‌هایشان با این قیمت مخالفت کردند. مسئولین ذوب آهن وعده دادند که هر کشاورزی که زمینش را بفروشد، یکی از اعضای خانواده او در کارخانه استخدام می‌شود و به‌طور مادام‌العمر، ماهیانه ۴ کیسه آرد به او تعلق می‌گیرد. کشاورزان با این وعده وعیدها راغب به فروش زمین شدند ولی نه تنها هیچ‌کدام از آنها در کارخانه استخدام نشدند، بلکه قول مسئولین ذوب آهن برای دادن آرد به صورت ماهیانه بیشتر از ۳ ماه دوام نیاورد و سهمیه آرد را هم قطع کردند».

در خصوص اعتماد نهادی، نکته قابل توجه در هر دو دهستان مذکور این است که روستاییان اعتماد زیادی به شوراهای روستایی نداشتند. به اعتقاد یکی از اهالی روستای کریم‌آباد «به شوراهای روستا چه اعتمادی می‌توان داشت وقتی که یکی از سه شورای روستا ۷ ماه از سال را در روستا نیست و دو تای دیگر هم به دلیل اختلافاتی که با هم دارند انجام امور روستا را به هم محول می‌کنند. برای انجام بسیاری از امور که به ادارات مختلف می‌رویم، می‌گویند که شورا باید بیاید، ولی شوراها هم اگر منفعتی برایشان نداشته باشد، نمی‌روند و اگر هم بروند به دلیل نداشتن سواد و عدم آگاهی به قوانین و مقررات هیچ کاری را پیش نمی‌برند». روستاییان، شورا را مسئول رسیدگی به همه امور روستا می‌دانند و تأکید ادارات دولتی بر این موضوع نیز موجب تشدید این وضعیت می‌شود. یکی از اهالی روستای قصلان در این زمینه می‌گفت «فاضلاب شهر قروه و بخش‌های اطراف، وارد روستای ما می‌شود، به گونه‌ای که علاوه بر اینکه آب کشاورزی ما را آلوده می‌کند، بسیاری از درختان روستا را از بین برده و بوی بسیار بدی نیز دارد. به گونه‌ای که زندگی در روستا بالاخص در فصل تابستان بسیار سخت است. برای حل این مشکل، اهالی روستا بارها و بارها به ادارات مختلف شهرستان رفته‌اند، ولی مسئولین این

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

ادارات می‌گویند که باید شورای روستا بیاید ولی شورا هم اصلاً رسیدگی نمی‌کند و بود و نبودش برای روستا تأثیری ندارد. اینها (شوراها) فقط به فکر منفعت خودشان هستند». کم بودن میزان آگاهی روستاییان از وظایف شورا موجب شده است که شورا را مسئول رسیدگی به همه امور روستا بدانند. اما وقتی مشاهده می‌کنند که شوراها برای انجام وظایف خود، از ضمانت اجرایی و قدرت کافی برخوردار نیستند، دلسرد می‌شوند و این دیگه منفی، در بلندمدت پایگاه و منزلت شورا را به لحاظ مدیریت و رهبری روستا کاهش می‌دهد و موجب تضعیف مقبولیت و پذیرش شورا در دیدگاه روستاییان می‌شود.

۳- شاخص احساس رفاه و بهزیستی

این شاخص با پنج مؤلفه رضایت از زندگی، خودپنداری مثبت، احساس بیگانگی و بی‌قدرتی، احساس محرومیت و بی‌عدالتی و بهزیستی روانی مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. در جدول (۸)، توزیع نسبی پاسخ به هر یک از گویه‌ها در دو دهستان مذکور بیان شده است.

جدول (۸): توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های شاخص احساس رفاه و بهزیستی

گویه	زیاد		متوسط		کم	
	قصلان	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج
رضایت از زندگی	۴/۸	۵/۶۷	۶/۷۶	۶/۲۷	۱۵	۹/۴
احساس بیگانگی و بی‌قدرتی	۳/۲۸	۱/۷۰	۹/۶۹	۶/۱	۸/۱	۳/۲۸
خودپنداری مثبت	۵۰	۱/۳۷	۲/۴۹	۰	۸/۰	۹/۶۲
احساس محرومیت و بی‌عدالتی	۱/۴۴	۷/۵۵	۴/۵۳	۳/۲	۵/۲	۴۲
بهزیستی روانی	۲/۴	۸/۵۳	۵۰	۶/۴۱	۸/۴۵	۵/۴

منبع: یافته‌های تحقیق

توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های شاخص احساس رفاه و بهزیستی به جز در بخش رضایت از زندگی و خودپنداری مثبت، تقریباً یکسان است. رضایت از زندگی در چهارده بعد مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. توزیع نسبی میزان رضایت پاسخگویان در دو منطقه مذکور، در جدول شماره ۹ بیان شده است.

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

جدول (۹): توزیع نسبی میزان رضایت پاسخگویان

گویه‌ها	زیاد		متوسط		کم	
	بالغوز آغاچ	قصلان	بالغوز آغاچ	قصلان	بالغوز آغاچ	قصلان
۱- رضایت از کیفیت امکانات آموزشی موجود	۷/۸	۷/۱۵	۴/۳۲	۷/۳۹	۹/۵۸	۶/۴۴
۲- رضایت از کیفیت خدمات درمانی موجود	۹/۵	۸/۵	۷/۲۸	۲/۴۴	۳/۶۵	۵۰
۳- رضایت از وضعیت مالی موجود	۶/۹	۳/۸	۲/۴۱	۴۰	۳/۴۹	۷/۵۱
۴- رضایت از توانمندی‌های خود	۷/۲۰	۸/۲۰	۳/۵۹	۵/۵۲	۲۰	۷/۲۶
۵- رضایت از رفتار و برخورد دیگران در ارتباط با خود	۶/۳۱	۹/۲۲	۴/۵۷	۶۱	۱۱	۱/۱۶
۶- رضایت از وضعیت منزل	۴/۲۹	۲/۲۵	۵/۳۷	۴۲	۱/۳۳	۸/۳۲
۷- رضایت از زندگی در روستا	۲۰	۴/۳۶	۹/۴۸	۱/۳۳	۱/۳۱	۵/۳۰
۸- رضایت از وضعیت شغلی	۵/۱۱	۹/۱۱	۱/۳۵	۳/۳۷	۴/۵۳	۸/۵۰
۹- رضایت از امنیت روستا	۷/۴۳	۵/۴۰	۳۷	۸/۴۳	۲/۱۹	۷/۱۵
۱۰- رضایت از کیفیت آب آشامیدنی	۵/۵۷	۱/۵۷	۱/۳۲	۹/۳۱	۵/۱۰	۹/۱۰
۱۱- رضایت از کیفیت آب کشاورزی	۶/۹	۷/۲۷	۳/۱۶	۸/۳۷	۱/۸۴	۵/۳۴
۱۲- رضایت از تمیزی و پاک بودن هوای روستا	۷/۴۳	۶۰	۳/۳۳	۷/۲۶	۲۳	۳/۱۳
۱۳- رضایت از وضعیت خاک کشاورزی روستا از لحاظ نداشتن آلاینده‌های صنعتی و شیمیایی	۴/۲۹	۴۵	۳۶	۷/۳۶	۵/۳۴	۴/۱۸
۱۴- رضایت از نبود سر و صدا در روستا	۷/۴۶	۲/۵۶	۶/۳۵	۶/۳۰	۷/۱۷	۲/۱۳

منبع: یافته‌های تحقیق

میزان رضایت پاسخگویان در ۱۰ گویه اول جدول فوق، تفاوت زیادی با هم ندارد، ولی در ۴ گویه آخر جدول، یعنی رضایت از کیفیت آب کشاورزی، تمیزی هوای روستا، وضعیت خاک کشاورزی و نبود سروصدا در روستا، بین پاسخگویان دو دهستان تفاوت بیشتری مشاهده می‌شود. در بخش بعد، درباره این گویه‌ها بیشتر توضیح داده می‌شود.

۴- شاخص پایداری زیست‌محیطی

این شاخص در چهار بعد آلودگی آب، هوا، خاک و صوتی اندازه‌گیری شده است. آلودگی آب در دو بخش آلودگی آب آشامیدنی و آب کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته است. طبق جدول شماره ۹، می‌توان گفت که در خصوص آب آشامیدنی بین دو دهستان مذکور تفاوت زیادی وجود ندارد و میزان رضایت هر دو جامعه تقریباً برابر است، اما به لحاظ آب کشاورزی، تفاوت زیادی در میزان رضایت پاسخگویان دو دهستان مشاهده می‌شود. بیش از دو سوم، یعنی ۱/۷۴ درصد از پاسخگویان منطقه صنعتی شده، از کیفیت آب کشاورزی خود ناراضی هستند. اما میزان رضایت روستاییان از وضعیت هوای منطقه نشان می‌دهد که از دیدگاه آنها صنعتی شدن منطقه، آثار منفی زیادی نداشته

است. به اعتقاد یکی از پاسخگویان از روستای یالغوزآغاج «هنوز یک فاز کارخانه راهاندازی شده و با توجه به اینکه هوای روستا هوای تمیزی است، کارخانه خیلی بر آلودگی هوای یالغوزآغاج تأثیرگذار نبوده است. شاید روستاییان نزدیک به کارخانه (کریم‌آباد و گچی‌گرد) را از لحاظ ناپاک بودن هوا اذیت کند». دو روستای نزدیک به کارخانه (کریم‌آباد و گچی‌گرد) درباره پاک بودن هوای منطقه، میزان نارضایتی بیشتری را نشان می‌دهند. به گفته یکی از اهالی روستای کریم‌آباد «در مواقعی که باد می‌آید دود کارخانه اذیت‌کننده است بوی گوگرد تمام روستا را بر می‌دارد».

درباره میزان رضایت روستاییان از وضعیت خاک کشاورزی می‌توان گفت که رشد صنعت در این منطقه، علاوه بر در اختیار گرفتن زمین روستاهای مجاور، آثاری بر زمین‌های کشاورزی دهستان گذاشته است. اولاً، برخی زمین‌ها به‌منظور انتقال امکانات و خدمات مورد نیاز کارخانه مانند آب، برق و غیره استفاده شده است. یکی از پاسخگویان از روستای یالغوزآغاج در این زمینه می‌گفت «نزدیک به ۵۰ تیر برق کارخانه از وسط زمین‌های من رد شده است. در ابتدا مخالف این کار بودم ولی به خاطر اینکه با راهاندازی کارخانه جوانان روستا دیگر مجبور نیستند برای کار به شهرهای دیگر بروند با قرار دادن تیرها داخل زمینم موافقت کردم البته به ازای هر تیر برق، ۲۰ هزار تومان به من دادند. وجود این تیرهای برق ضرر زیادی به زمین‌های من زده است. چون عملیات کشاورزی را با مشکل مواجه کرده است». یکی دیگر از پاسخگویان در روستای مذکور، بیان می‌کرد «۳۰۰ متر لوله آب کارخانه از داخل زمین من رد شده است و همین باعث تخریب زمین‌های من شده و ضرر زیادی به من وارد کرده است». دوم اینکه، زمین‌هایی نیز دچار مسمومیت شیمیایی شده‌اند. این زمین‌ها در دو روستای مجاور کارخانه، یعنی کریم‌آباد و گچی‌گرد قرار دارند. به اعتقاد یکی از اهالی روستای کریم‌آباد «پساب کارخانه نزدیک به ۲۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی روستا را غیرقابل بهره‌برداری کرده است. آنها به ما قول دادند که به خاطر تخریب این زمین‌ها ما را در کارخانه استخدام می‌کنند، ولی این کار را نکردند ما هم از ۴ سال پیش از کارخانه شکایت کردیم، ولی تا به حال نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. پارسال در این زمین‌ها گندم کشت کردیم، اصلاً رشد نکرد. حتی نمی‌توانیم گوسفندان را نزدیک این زمین‌ها ببریم، چون اگر از این زمین‌ها گیاهی بخورند تلف می‌شوند».

میزان رضایت روستاییان از نبود سرو صدا در روستا، نسبتاً زیاد است. با وجود این، افرادی که خانه‌هایشان در کنار جاده قرار دارند، از رفت و آمد ماشین‌های سنگین کارخانه ناراضی بودند، ولی

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

اکثریت روستاییان رضایت بسیار زیادی را از نبود سروصدا در روستا نشان می‌دهند. با توجه به یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و اطلاعات به دست آمده، می‌توان گفت که روستاییان این دهستان در آغاز ساخت کارخانه از آثار زیست‌محیطی آن اطلاع داشتند، ولی به دلیل اشتغال در کارخانه و در نظر گرفتن این صنعت به‌عنوان منبع درآمدی مطمئن، از وجود این آثار زیست‌محیطی ابراز نارضایتی نمی‌کردند، اما پس از راه‌اندازی کارخانه و اخراج آنها و اجبار در بازگشت به کار کشاورزی، نارضایتی پدید آمد. چون علاوه بر از دست دادن زمین کشاورزی، به‌ویژه در روستاهای همجوار، میزان بازدهی زمین‌های باقیمانده کاهش یافته بود که این وضعیت را ناشی از آثار صنعتی شدن می‌دانند.

آزمون فرضیه‌ها و روابط بین متغیرها

به جز فرضیه زیست‌محیطی که بیشتر از طریق مصاحبه عمیق و بحث گروهی مورد بررسی قرار گرفته، نتایج آزمون سایر فرضیه‌های پژوهش در جدول شماره ۱۰ نشان داده شده است.

جدول (۱۰): نتایج آزمون فرضیه‌ها

متغیر مستقل	متغیر وابسته	دهستان یالغوزآغاج		دهستان قصلان		شاخص t	سطح معناداری	تأیید یا عدم تأیید
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار			
صنعت	کیفیت زندگی (برخورداری قصلی-اجتماعی، همبستگی اجتماعی و احساس رفاه و بهزیستی)	۶/۲۵۹	۶/۲۲	۴/۲۴۰	۴/۲۰	-۷۰۷/۱	۰۹/۰	عدم تأیید
صنعت	کیفیت زندگی (برخورطری قصلی-اجتماعی و احساس رفاه و بهزیستی)	۵/۱۵۵	۱۳	۵/۱۶۲	۷/۱۱	-۴۵/۳	۰۰/۱۰	تأیید
صنعت	برخورداری اقتصادی-اجتماعی	۳/۶۶	۵۷	۲/۷۰	۶/۵	-۱/۴	۰۰/۰	تأیید
صنعت	همبستگی اجتماعی	۱/۱۰۲	۲/۱۶	۲/۱۰۲	۲/۱۳	-۰۳۳/۰	۹۷۴/۰	عدم تأیید
صنعت	احساس رفاه و بهزیستی	۴/۸۸	۱۰	۸/۹۱	۹	-۵/۲	۰۱۴/۰	تأیید

منبع: یافته‌های تحقیق

رابطه صنعت با کیفیت زندگی را از دو بعد می‌توان بررسی کرد: (۱) وقتی کیفیت زندگی با سه شاخص (برخورداری اقتصادی-اجتماعی، همبستگی اجتماعی و احساس رفاه و بهزیستی) اندازه‌گیری می‌شود، می‌توان گفت صنعتی شدن رابطه معناداری با کیفیت زندگی ساکنین منطقه ندارد. به عبارت دیگر، بین میانگین نمرات کیفیت زندگی روستاییان دهستان یالغوزآغاج (صنعتی شده) و دهستان

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

قصلان (صنعتی نشده) تفاوت معناداری وجود ندارد. ۲) اما وقتی کیفیت زندگی فقط با دو شاخص برخورداری اقتصادی - اجتماعی و احساس رفاه و بهزیستی سنجیده می‌شود، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت کیفیت زندگی با صنعتی شدن منطقه رابطه دارد. یافته‌های جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که در این وضعیت، میانگین کیفیت زندگی دهستان صنعتی شده (۵/۱۵۵) کمتر از میانگین کیفیت زندگی دهستان صنعتی نشده (۵/۱۶۲) است.

از سه شاخص کیفیت زندگی که در جدول فوق ذکر گردیده، فقط رابطه صنعت با دو شاخص تأیید شده است. صنعتی شدن رابطه معناداری با شاخص همبستگی اجتماعی - که با گویه‌های اعتماد نهادی، اعتماد بین شخصی، مشارکت ذهنی، مشارکت عینی، ارتباط با دیگران و تعلق مکانی اندازه‌گیری شده است - ندارد. اما صنعتی شدن منطقه توانسته است شاخص‌های برخورداری اقتصادی - اجتماعی و احساس رفاه و بهزیستی روستاییان را تحت تأثیر قرار دهد. برخورداری اقتصادی - اجتماعی با متغیرهای درآمد، اشتغال، امنیت، بهداشت، آموزش و مسکن اندازه‌گیری شده است و همان طور که در جدول شماره ۱۰ مشاهده می‌شود، بین میانگین نمرات برخورداری اقتصادی - اجتماعی دهستان یالغوزآغاج و فصلان تفاوت معناداری ($p < 0.01$) وجود دارد. این نتیجه‌گیری بدان معناست که برخورداری اقتصادی - اجتماعی روستاییان دهستان فصلان، بیشتر از یالغوزآغاج است. در مقاله حاضر، به منظور بررسی شاخص احساس رفاه و بهزیستی، از پنج متغیر رضایت از زندگی، خودپنداری مثبت، احساس بیگانگی و بی‌قدرتی، احساس محرومیت و بی‌عدالتی و بهزیستی روانی استفاده شده است. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، سطح معناداری این شاخص $P = 0.014$ است، از این رو، طبق نتایج به دست آمده، میانگین نمرات احساس رفاه و بهزیستی روستاییان دهستان صنعتی نشده بیشتر از دهستان دیگر است.

نتیجه‌گیری

برخورداری اقتصادی - اجتماعی، همبستگی اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و احساس رفاه و بهزیستی، چهار شاخص مهم کیفیت زندگی هستند که صنعت می‌تواند آثار متفاوتی بر آنها داشته باشد. رابطه صنعت با شاخص برخورداری اقتصادی - اجتماعی در دو دوره زمانی قابل بررسی است: ۱) در مرحله ساخت و تأسیس صنعت، و ۲) در مرحله بهره‌برداری. در مرحله ساخت، روستاییان منطقه که

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

تخصص فنی و صنعتی ندارند، به‌عنوان نیروی کار غیرماهر به کار گرفته شدند. همین عامل باعث ایجاد اشتغال در منطقه و افزایش درآمد روستاییان شد. از سوی دیگر، تأسیس صنعت همانند کاتالیزوری بود که روند عرضه امکانات و خدماتی مانند جاده آسفالت، تلفن و گاز را به روستاهای منطقه تسریع کرد. این عوامل زمینه بهبود برخورداری اقتصادی - اجتماعی روستاییان را فراهم کرد. اما مرحله بهره‌برداری از صنعت و نیاز به نیروی کار ماهر، باعث بیکار شدن روستاییان و کاهش درآمد آنها شد. خروج نیروی کار روستایی از صنعت منطقه و جایگزینی آنها با افراد غیربومی، موجب افزایش بیکاری در روستا و کاهش درآمد روستاییان شد. مجموعه این عوامل، میزان برخورداری اقتصادی - اجتماعی روستاییان منطقه صنعتی شده نسبت به روستاییان منطقه صنعتی نشده را کاهش داده است. فروش بخش قابل توجهی از زمین‌های کشاورزی منطقه برای احداث صنعت ذوب آهن و تخریب بخش دیگری از زمین‌های منطقه به دلیل مسمومیت شیمیایی ناشی از کارخانه، روند ناپایداری برخورداری اقتصادی اجتماعی منطقه را تسریع کرده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که صنعتی شدن منطقه، تفاوت معناداری با همبستگی اجتماعی روستاییان ندارد. صنایع سنگین مانند ذوب آهن بر خلاف صنایع کوچک تبدیلی، متناسب با ویژگی‌ها و ساختار جامعه روستایی نیستند و تولیدات آنها، نیازهای روستاییان را رفع نمی‌کند. علاوه‌براین، عدم اشتغال روستاییان در کارخانه ذوب آهن به دلیل نداشتن توانمندی‌های مورد نیاز موجب شده است که تعاملات روستاییان با صنعت مورد مطالعه بسیار کاهش یابد. در واقع، این صنعت بخش جدا افتاده‌ای از جامعه روستایی بوده است که با به حاشیه رفتن، نتوانست آثار لازم را بر جامعه روستایی بگذارد. در حال حاضر، تعامل روستاییان منطقه با کارخانه ذوب آهن بسیار کم است. عرضه نیروی کار که تنها شیوه مشارکت روستاییان در کارخانه ذوب آهن بود، بعد از ساخت کارخانه به کمترین میزان ممکن کاهش یافت. کم بودن میزان مشارکت، از عوامل اصلی عدم احساس تعلق به این صنعت است. عدم تعلق به صنعت مورد بررسی می‌تواند به مانع بزرگی در گسترش صنعت در آینده تبدیل شود، زیرا طرح گسترش صنعت به همکاری روستاییان منطقه در موارد مختلفی، از جمله واگذاری زمین‌های کشاورزی، اجازه عبور امکانات و خدمات کارخانه از زمین‌های روستا و مواردی از این قبیل نیاز دارد. در پژوهش حاضر، رابطه صنعت با احساس رفاه و بهزیستی تأیید شده است. صنعت بر رضایت از زندگی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم رفاه و بهزیستی تأثیر منفی داشته است، به عبارت دیگر،

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

رضایت از زندگی روستاییان منطقه صنعتی شده کمتر از منطقه دیگر است. رضایت کم از زندگی در کنار سایر مؤلفه‌های شاخص احساس رفاه و بهزیستی موجب شده است که میانگین رضایت از وضعیت رفاهی و بهزیستی روستاییان منطقه صنعتی شده کمتر از منطقه دیگر باشد.

یکی از مهمترین شاخص‌های مشترک بین صنعت و کیفیت زندگی، شاخص پایداری زیست محیطی است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهند که صنعتی شدن منطقه به لحاظ چهار بعد آب، خاک، هوا و آلودگی‌های صوتی، باعث بروز آثار منفی بر کیفیت زندگی روستاییان شده است. در این میان، بیشترین نارضایتی روستاییان مجاور صنعت ذوب آهن، به آلودگی خاک کشاورزی مربوط بود. طبق یافته‌های پژوهش، اگر کیفیت زندگی را با دو شاخص برخورداری اقتصادی - اجتماعی و احساس رفاه و بهزیستی اندازه‌گیری کنیم، تفاوت معناداری بین کیفیت زندگی روستاییان دو دهستان مذکور پدید می‌آید، ولی اگر شاخص همبستگی اجتماعی را به دو شاخص قبلی اضافه کنیم، رابطه صنعت با کیفیت زندگی تأیید نمی‌شود. در پایان باید گفت که اگر به دنبال توسعه روستایی با راهبرد صنعتی شدن هستیم، لازم است که قبل از ورود صنعت به جامعه روستایی، ساخت جامعه هدف به‌طور دقیق بررسی شود. در صورتی که ویژگی‌های لازم برای ورود صنعت مورد نظر را نداشت یا باید این شرایط و ویژگی‌ها در جامعه روستایی ایجاد یا احیا شود یا از ورود صنعت به جامعه ممانعت گردد. توسعه روستایی از طریق صنعتی شدن و با هدف بهبود کیفیت زندگی روستاییان، باید از طریق رشد صناعی تحقق یابد که با نیازهای بومی منطقه سازگار است و حداکثر مشارکت روستاییان را در زمینه‌های مختلف داشته باشد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۸۷). توسعه پایدار روستایی. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
- دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۳). مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۱). استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی. مدرس علوم انسانی. شماره ۲۵. ۲۲-۱.
- صادقی، احمد (۱۳۸۰). بررسی اقتصادی صنایع روستایی استان مازندران. پژوهش‌های اقتصادی. شماره ۱. ۸۷-۱۰۵.

بررسی رابطه بین صنعت و کیفیت زندگی ...

طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹). نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی: مطالعه موردی، استان مرکزی (رساله دکتری). گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.

غفاری غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۸). کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی. چاپ اول. تهران: شیرازه.

کرمانی، مهدی (۱۳۸۵). صنعتی شدن و اثر آن بر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی روستاها: مطالعه موردی مجتمع صنعتی و معدنی مس قلعه‌زری (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

(۱۳۶۵). مجموعه سخنرانی‌های سمینار استقرار صنعت در روستا (با حضور اساتید دانشگاه، صاحب‌نظران در صنعت و مدیران برنامه‌ریزی کشور). چاپ اول. دانشگاه اصفهان: انتشارات جهاد سازندگی.

مرادی، محمود و مطیعی‌لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۴). جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند. پژوهش‌های جغرافیا. شماره ۵۳. ۱۴۹-۱۳۷.

مطیعی‌لنگرودی، سید حسن و نجفی کانی، علی اکبر (۱۳۸۵). بررسی و ارزیابی آثار شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی: مطالعه موردی شهرستان بابل. پژوهش‌های جغرافیا، شماره ۵۸، ۱۶۵-۱۴۷.

میسرا، آر. پی. (۱۳۶۸). مباحثی پیرامون توسعه روستایی، ماهنامه جهاد، سال نهم، شماره ۱۱۶.

وثوقی، منصور (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی روستایی. چاپ دهم. تهران: انتشارات کیهان.

هاگ، ام. وی (۱۳۶۸). تحلیلی از مسائل اساسی صنعتی کردن و توسعه. ترجمه ناصر فرید روستا و توسعه. شماره دوم، هیویت، تام و همکاران (۱۳۷۷). صنعتی شدن و توسعه. ترجمه طاهره قادری. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه

طباطبایی.

Bohnke, P. (2007). Does Society Matter? Life Satisfaction in the Enlarged Europe. *Social indicators research*. 87. P.p. 189-210.

Campbell, A., Converse, P.E., & Rogers, W.L. (1976). *The quality of American life: Perception, evaluation, and satisfaction*. New York: Russell Sage Foundation.

Ferrans, C. E. (1992). Conceptualization of quality of life in cardiovascular research. *Progress in cardiovascular nursing*. P.p. 7, 2-6.

Ferrans, C. (1996). Development of a conceptual model of quality of life. *Scholarly inquiry for nursing practice: An international journal*. 10. P.p. 151-158.

Flanagan, J. C. (1978). A research approach to improving our quality of life. *American psychologist*. 33. P.p. 138-147.

Lee, Y. J. (2005). Subjective quality of life measurement in Taipei. *Building and Environment*. 43. P.p. 1205-1215.

Lee, D. P. (2001). *Diversification of rural economy: a case study on rural industrialization in the republic of Korea*. Presented at the Japan program/ INDES 2001 conference.

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

Lynda, L. & Diana, E. (2005). A concept of quality of life. *Journal of Orthopaedic nursing*. 9. P.p. 12-18.

Moons, Ph. & et al., (2005). Critique on the conceptualization of quality of life: A review and evaluation of different conceptual approaches. *International journal of nursing studies*. 43. P.p. 891-901.

Phillips, David (2006). *Quality of Life: Concept, Policy and Practice*. London: Routledge Publications.

Wood, D. S. (1999). Assessing quality of life in clinical research from where have we come and where are we going. *Journal of clinical epidemiology*. 52. P.p. 355-363.